



خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال اول، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۸۹



هم اندیشی معرفت‌شناسی دینی (گفت‌وگوی فیلسوفان مسلمان و مسیحی)

زینت‌بخش مطلع همایش در دانشگاه تهران، قرائت آیات شریفه کلام‌الله مجید بود؛ سپس دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی - ریاست محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - که زحمات زیادی برای برپایی این همایش کشیده بودند، ضمن ابراز خیر مقدم به شرکت‌کنندگان، بیاناتی عنوان کردند. ایشان اظهار امیدواری کردند که در این همایش، ضمن مناظره فیلسوفان اسلامی و مسیحی، زمینه‌ای فراهم شود تا فرهنگ‌های غنی اسلام و مسیحیت بیش از پیش به هم نزدیک و از دستاوردها و اندیشه‌های یکدیگر بهره‌مند شوند. آقای دکتر آیت‌اللهی در ادامه، از پروفسور یوستین بارنارد به عنوان پیشنهاددهنده این هم‌اندیشی تشکر و از نبود برخی از مهمانان خارجی به‌علت مشکلات بین‌المللی پرواز ابراز تأسف کردند.

تشیست اول

(حجة الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد، دکتر تام کریسپ، دکتر سیدحسن حسینی) در ابتدای این تشیست، حجة الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد - ریاست محترم پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه - مقاله خود را با عنوان «فلسفه معرفت دینی» ارائه کردند. ایشان قبل از هر چیز، رئوس مباحث دانش جدید فلسفه معرفت دینی را چنین برشمردند: ۱. مفهوم‌شناسی و تعریف تحلیلی معرفت دینی، منطقی فهم دینی و فلسفه معرفت دینی؛ ۲. بیان زمینه‌ها و ضرورت‌های تأسیس و تدوین دانشواره فلسفه معرفت دینی و بررسی پیامدها و کارکردهای آن در ساحت دین‌پژوهی؛ ۳. ساختار معرفتی - منطقی مباحث فلسفه معرفت دینی.

در ادامه، از دانشی که عهده‌دار مطالعه فرانکر عقلانی (محصل) کاوش موجه برای کشف دین است، به عنوان دانش فلسفه معرفت دینی یاد کردند و آن را در زمره فلسفه مضاف قرار دادند؛ و در بخش دوم مقاله خود ضرورت تأسیس فلسفه معرفت دینی را در شناخت و تحلیل احکام کلی معرفت دینی و دستاوردهای بسیار در قلمرو معرفت‌شناسی و حوزه دین پژوهی، اعلام کردند.

در خاتمه و در بخش سوم بیانات این اندیشمندان، ساختار معرفتی - منطقی مباحث فلسفه معرفت دینی تبیین شد. چپستی معرفت دینی، تعریف معرفت دینی به معنای اعم، تعریف معرفت دینی به معنای اخص، مختصات انواع معرفت‌های دینی، ارزش‌سنجی معرفتی معرفت دینی، مصادیق معرفت دینی، تکون معرفت دینی، تحول معرفت دینی، هندسه معرفت دینی از

هم‌اندیشی معرفت‌شناسی دینی
The Religious Epistemology Seminar
۳۱ فروردین تا ۲ اردیبهشت ۱۳۸۹
20th - 22nd of April 2010
محل برگزاری همایش:
۸-۱۲
۱۵-۱۵۵۳
گفتگوی فیلسوفان مسلمان و مسیحی
A Dialogue between Muslim and Christian Epistemology

• Ali Akbar Rashad	• Tam Krippes	• Seyed Hassan Hosseini
• Seyed Hassan Hosseini	• Ali Akbar Rashad	• Tam Krippes
• Seyed Hassan Hosseini	• Ali Akbar Rashad	• Tam Krippes
• Seyed Hassan Hosseini	• Ali Akbar Rashad	• Tam Krippes
• Seyed Hassan Hosseini	• Ali Akbar Rashad	• Tam Krippes
• Seyed Hassan Hosseini	• Ali Akbar Rashad	• Tam Krippes
• Seyed Hassan Hosseini	• Ali Akbar Rashad	• Tam Krippes
• Seyed Hassan Hosseini	• Ali Akbar Rashad	• Tam Krippes
• Seyed Hassan Hosseini	• Ali Akbar Rashad	• Tam Krippes
• Seyed Hassan Hosseini	• Ali Akbar Rashad	• Tam Krippes

هم اندیشی «معرفت شناسی دینی» با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه قم از تاریخ ۳۱ فروردین ماه لغایت ۲ اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ به ترتیب در دانشگاه تهران، دانشگاه قم و دانشگاه اصفهان برگزار شد.

شش فیلسوف آمریکایی نمایندگان فیلسوفان مسیحی به ایران زمین آمده بودند تا از نزدیک با فیلسوفان اسلامی و سایر علاقه‌مندان بحث و تبادل نظر کنند. استادان بسیاری از دانشگاه‌های سراسر ایران نیز در این همایش حضور داشتند و برخی از آنها مقاله ارائه دادند.



بررسی و تحلیل بخشی از آثار و مآخذ درسی رشته روان‌شناسی دانشگاهها
 به‌کوشش: دکتر غلامعلی قزوینی و دکتر علی‌اکبر آرمستدیان
 ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 مدیر نشر: ناصر زعفرانی، ناظر چاپ: مجید محمدی‌نورج
 طراح جلد: سجاد اکبری کلی اجرایی جلد: اعظم سادق‌ن
 ویراستار: زهره بهجو نمونه‌خوان: حسن مکیه
 حروف‌نگار: مسیحماران، امیرحسین جباری
 چاپ اول: ۱۳۸۹ تیرماه: ۵۰ نسخه
 چاپ و سحافی: پردیس دانش
 ردیف انتشار: ۸۸-۶۴ بها: ۲۵۰۰ تومان

نقد نامه

اگرچه برهان ملاصدرا اندکی بر اصل دلیل کافی منطبق است، برهان‌های بازسازی‌شده آن به‌طور کامل بی‌نیاز از این اصل است.

نشست دوم

(دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی، دکتر مایکل مورای، دکتر عباس یزدانی) در ابتدای نشست دوم که با مدیریت دکتر حسینی برگزار شد، دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی مقاله خود را با عنوان «عقل و به‌کلی دیگر بودن خداوند» ارائه کردند.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ضمن اشاره به بی‌همتایی وجود و افعال خداوند در عالم، از آن با عنوان «به‌کلی دیگر» یاد و اضافه کردند که برای شناخت خداوند باید از ابزار منطقی استفاده شود که هم در جهان فعلی قابل استناد باشد و هم در عالم دیگر. ایشان در ادامه، با توجه به اینکه قوانین تجربی فاقد توانایی لازم برای اثبات عالم «به‌کلی دیگر» هستند؛ سخی دیگر از قوانین را در این زمینه راهگشا دانستند.

این استاد فلسفه از دو عالم تجربی و عالم «وجود دادن» به‌عنوان دو عالم مختلف نام بردند و عنوان کردند: «وجود دادن هیچ مصداقی در عالم تجربی ندارد مگر هنگامی که شما وجود خیالی خود را در نظر می‌گیرید؛ و با این مقدمه، وجود، علیت، وحدت و ضرورت را از جمله اموری معرفی کردند که در هر دو عالم قابل صدق‌اند.

این فیلسوف برجسته، در ادامه، به تفاوت‌های نگاه اسلام و نگاه غرب در این زمینه اشاره و به‌طور مشخص نگاه اسلامی را با نظریات کانت مقایسه کردند. ایشان نقطه عزیمت دیدگاه ملاصدرا را برخلاف کانت، نه تجربه، بلکه عقل و مفاهیم محض عقلی دانستند و آن را ماقبل مفهومی معرفی کردند و در نهایت چنین دیدگاهی را برای درک واقعیت‌ها هم در عالم تجربی و هم در عالم «وجود دادن» مفید دانستند.

دکتر آیت‌اللهی در انتها، محور اصلی بحث خود را چنین تبیین کردند: اگر بخواهیم از عالم تجربه به عالم «وجود دادن» گذار کنیم، مهم‌ترین ابزار، عقل محض و یکسری حقایق عقلی است که با آن هم عالم تجربی و هم عالم «به‌کلی دیگر» درک می‌شود. بنابراین، اگر نقطه عزیمت عقل باشد، می‌توانیم به‌خوبی به وجود، افعال و صفات خداوند دست پیدا کنیم. پس از سخنان دکتر آیت‌اللهی، دکتر مایکل مورای به عنوان سخنران دوم، مقاله خود را با عنوان «تبیین‌های علمی از دین و توجیه باورهای دینی» ارائه کردند.

دکتر عباس یزدانی — استادیار فلسفه دین دانشگاه زنجان — سومین سخنران نشست دوم بودند که مقاله خود را با عنوان «توجیه معرفت‌شناسانه شناخت بی‌واسطه خداوند از دیدگاه فیلسوفان اسلامی» به سمع حاضران در سالن رساندند.

این استاد فلسفه قصد داشتند با اتکا به معرفت‌شناسی ملاصدرا، از این آموزه دفاع کنند که انسان‌ها می‌توانند از طریق معرفت حضوری — که شناختی مستقیم و بی‌واسطه است — باور به خدا را با اثبات برسانند؛ به بیان دیگر، ایشان کوشیدند

اجزای این ساختار برشمرده شد. ایشان ذیل بحث آخر، بر این نکته تأکید کردند که معرفت دینی در اسلام برخقوق و فقه مستقل از اخلاق و در مسیحیت عموماً بر عقاید و اخلاق دلالت دارد هرچندکه در برخی از گرایش‌های مسیحیت، بر داشتن آموزه‌های اخلاقی الزام‌آور تأکید می‌شود.

دکتر توماس کریسپ، به‌عنوان سخنران دوم، مقاله خود را با عنوان «براهین فلسفه الحاد» ارائه کردند. ایشان در این مقاله با استفاده از براهین تکامل‌گرای آلون پلانتینگا علیه طبیعت‌گرایی، «برهان فلسفی» درباره الحاد را از نوع برهان‌های مبتنی بر قضایای فلسفی انتزاعی و به‌دور از علایق روزمره معرفی و اشاره کردند: «من در این مقاله، اعتراضی کلی علیه اقامه چنین براهینی خواهم داشت».

در بخش سوم نشست اول، دکتر سیدحسن حسینی — دانشیار دانشگاه صنعتی شریف — بحث خود درباره «مقایسه تطبیقی استدلال‌های اثبات خدا با تأکید بر انطباق بر اصل دلیل کافی» را در سه بخش ارائه کردند: بخش اول، اصل دلیل کافی و تناسبی که با استدلال‌های وجود خدا به ویژه استدلال‌های کیهان‌شناختی دارد؛ بخش دوم، برداشت کلارک از ادله کیهان‌شناختی؛ بخش سوم، برهان صدیقین ملاصدرا و اینکه این دلایل تا چه حد بر اصل دلیل کافی مبتنی است.

ایشان در ادامه سخنرانی خود، ضمن اشاره به انواع مختلف اصل دلیل کافی، بر شباهت‌های آن با اصل علیت تأکید کردند و درباره تنها تفاوت بین آنها گفتند که در اصل علیت میان علت و معلول رابطه‌ای ضروری وجود دارد اما در اصل دلیل کافی ضرورتی ندارد که رابطه‌ای بین تبیین‌کننده و تبیین‌شونده از جنس علت و معلولی وجود داشته باشد.

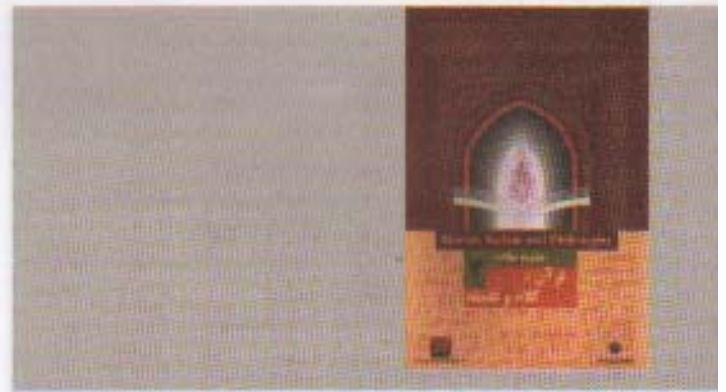
دکتر حسینی در پایان بخش اول سخنرانی خود، آرای برخی از صاحب‌نظران را در تأیید یا رد اصل دلیل کافی مطرح کردند.

ایشان در بخش دوم سخنرانی خود، درباره استدلال‌های کیهان‌شناختی با توجه به آرای کلارک بحث کردند؛ همچنین اشاره کردند که ذات استدلال کیهان‌شناختی در جهان خارج ریشه دارد. در نتیجه‌گیری این بخش برهان صدیقین ملاصدرا متفاوت از آرای کلارک معرفی شد.

این استاد دانشگاه در ادامه، ایرادهای اصلی و اساسی وارد به استدلال کیهان‌شناختی و در نتیجه اصل دلیل کافی را تبیین و چنین عنوان کردند که «اگر شما موجودات وابسته‌ای داشته باشید، مجموع این موجودات وابسته موجود جدیدی را نمی‌سازند که با هویت مستقلی رو به رو باشیم و برای آن دنبال تبیین بگردیم».

دکتر حسینی در بخش سوم صحبت‌های خود، به شاخصه‌های مهم برهان صدیقین ملاصدرا اشاره کردند: ۱. مکتب صدرایی، چه در حوزه معرفت‌شناسی و چه در حوزه وجودشناسی از نوعی رئالیسم شروع می‌شود؛ ۲. وجود، اصیل است؛ ۳. وجود، مراتب تشکیکی دارد؛ ۴. وجود، امری بسیط است و اجزایی ندارد.

این استاد فلسفه در ادامه، با بررسی تفسیرهای متأخرین از برهان ملاصدرا (تفسیر حاج ملاهادی سبزواری و علامه طباطبایی)، نتیجه گرفتند که



کاربرد و نقش معرفت حضوری در معرفت‌شناسی دینی را نشان دهند در پایان نشست دوم، به سبک همایش‌هایی از این دست، پرسش و پاسخی میان حاضران و ارائه‌کنندگان مقالات انجام پذیرفت. خانم دکتر فروغ پارسا - عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - در اولین اظهارنظر، ضمن اشاره به مباحث مطرح‌شده دکتر آیت‌اللهی، شناخت خداوند از طریق شأن و هویت غیبیه الهی (به کلی دیگر) را معقول ندانستند و با استناد به آیه شریفه «هو الاول و الآخر...» (جدید/۳)، مرتبه ظهور الهی را که شامل افعال و صفات الهی است، از معقولیت لازم برای شناخت خدا برخوردار دانستند.

پس از طرح این نظر دکتر آیت‌اللهی در مقام پاسخ برآمدند و با اشاره به پیشینه «به کلی دیگر» در فلسفه غرب گفتند: بحث من در این مقاله درباره معقولیت نیست. معقولیت با عقل فرق می‌کند. موضوع مقاله من، اثبات وجود خداوند هم نیست، بلکه استدلال‌های بنده درباره وجود «وجودبخش» عنوان شد؛ وجودبخشی که از قوانین تجربی «به کلی دیگر» است.

دکتر حسین غفاری - دانشیار فلسفه دانشگاه تهران - در بخش دیگری از جلسه پرسش و پاسخ ضمن اینکه استدلال دکتر یزدانی را در فلسفه اسلامی قاعد فاعل معرفی کردند، با اتکا به استدلال‌های متأخرین فلسفه اسلامی، از جمله علامه طباطبایی، بین رسیدن از علم حضوری به مفهوم خداوند و رسیدن از علم حضوری به پذیرش خود خداوند تفاوت قائل شدند و اساس برهان دکتر یزدانی در این مقاله را زیر سؤال بردند. دکتر عباس یزدانی گرچه در اینکه فیلسوفان اسلامی از علم حضوری برای اثبات معقولیت باور به خدا بهره نگرفته‌اند، با دکتر غفاری موافق بودند، در این باره که آیا از باور حضوری می‌توان برای اثبات باورهای مفهومی بهره گرفت، گفتند: «علم حضوری به عنوان ادراکی پایه در انسان وجود دارد نه باوری مفهومی».

نشست سوم

(دکتر حسین غفاری، دکتر دانیل هوارد استایدر، دکتر رضا اکبری) در اولین سخنرانی نشست سوم دکتر حسین غفاری - دانشیار و مدیر گروه فلسفه دانشگاه تهران - کوشیدند فلسفه دین در نظام فلسفی اسلام را تبیین کنند.

ایشان با اشاره به اینکه معمولاً در عصر حاضر انواع مختلف فلسفه از جمله فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق، فلسفه دین... از ویژگی‌های فلسفه‌های متأخر و غربی انگاشته می‌شود به‌طوری‌که در فلسفه‌های کلاسیک و اسلامی از آنها نشانی نیست، چند نکته را در این خصوص یادآور شدند:

۱. عناوینی همچون فلسفه مضاف را نباید به معنای خالی بودن فضای فلسفه کلاسیک و اسلامی از مهم‌ترین مباحث این فلسفه‌ها تلقی کرد؛
۲. یا تأسی از سنت‌های فلسفه‌های گذشته می‌توان و باید به بازسازی و خلق مفاهیم و مبادی مباحث این فلسفه‌ها اقدام کرد؛
۳. نظر فیلسوفان کلاسیک و اسلامی درباره این فلسفه‌ها، به دو دسته

تقسیم می‌شود: عده‌ای اصولاً هویت مستقلی برای این فلسفه‌ها قائل نیستند و متکرر وحدت موضوع آنها شده‌اند و عده‌ای دیگر برای موضوع این فلسفه‌ها جایگاهی در نظام موجود به‌ماهو موجود قائل‌اند.

دکتر غفاری پس از ذکر مقدمات لازم درصدد برآمدند به انطباق یکی از فلسفه‌های مضاف یا از گونه «فلسفه دین» با سنت فلسفه اسلامی بپردازند و برای این کار به مقاله دهم کتاب الهیات شفای ابن سینا رجوع کردند و در پایان نتیجه گرفتند که مجموعه نسبتاً کامل و متسجمی از مباحث «فلسفه دین» در نظام فلسفی ابن سینا وجود دارد.

در بخش دوم نشست سوم، دکتر دانیل هوارد استایدر از دانشگاه وسترن واشینگتن، سخنان خود را درباره «همه استعاره‌گرایی» ایراد کردند ایشان «همه استعاره‌گرایی» را با این مضمون که بحث پیرامون خدا تنها می‌تواند استعاره‌ای باشد، یا دو مشکل مواجه دانست: نخست اینکه خدا در واقع شخصی نیست و این الحاد محض است؛ دوم اینکه «همه استعاره‌گرایی» گرفتار نوعی تناقض درونی است.

دکتر استایدر در تشریح مواضع خود به این نکته اشاره کردند که بحث درباره خدا به صورت استعاری، هیچ تبیین زبان‌شناسانه‌ای را در کنار خود نمی‌پذیرد. ایشان ادامه دادند که اگر نتوان از این تبیین برای اثبات وجود خدا استفاده کرد هیچ‌یک از صفات قابل تخصیص به چیزی که در زبان تحت‌اللفظی وجود دارد، قابل انتساب به خداوند نیست. با این توصیف صفت شخصی بودن خداوند نیز زیر سؤال خواهد رفت!

دکتر استایدر در پایان، از این واقعیت که چیزی نمی‌تواند هم فاقد مشخصه شخصی بودن باشد و هم واقعاً شخصی باشد نتیجه گرفت که «همه استعاره‌گرایی» با تناقضی درونی روبه‌رو است.

«شفای الهی و غفلت رذیلتی معرفت‌شناختی»، عنوان مقاله دکتر رضا اکبری - دانشیار دانشگاه امام صادق (ع) - بود ایشان در مطلع صحبت‌های خود، با اشاره به استدلال شلنبرگ در این باره که افراد معتقد به ادیان ابراهیمی نمی‌توانند برای وجود خداوند دلایل کافی بیاورند و خداوند از دید آنها مخفی است، گفتند:

شلنبرگ بر این اساس استدلالی را مطرح می‌کند که مبنای آن این است که اگر خدای ادیان را بپذیریم، یکی از صفاتی که براساس تعالی مطلق الهی برای او در نظر گرفته می‌شود، حب الهی است. اگر محبت الهی را بپذیریم، باید قبول کنیم که خداوند درصدد است که با بندگانش ارتباط برقرار کند؛ بنابراین، برای بندگانی که خواستار ارتباط با خدا هستند این زمینه از سوی خدا فراهم خواهد شد. شلنبرگ سپس نتیجه می‌گیرد که هرگونه ارتباطی فرع بر باور کردن است. بنابراین خداوند برای ارتباط بندگانش با او باید زمینه را به گونه‌ای فراهم کند که آنها بتوانند او را باور کنند، در نتیجه خداوند باید شواهد کافی را در اختیار افراد قرار دهد تا این باور حاصل شود. او در تأیید نظریات خود، آدم‌هایی را مثال می‌زند که ضدیتی با محبت الهی ندارند اما فاقد ایمان هستند.

دکتر اکبری در رد برهان شلنبرگ از یک سو بین محبت الهی و محبت



تاریخ ادبیات قرن بیستم روسیه

تالیف: جان‌اله کریمی منوره (انتشار دانشگاه تهران)
 ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 مدیر نشر: ناصر زعفرانی
 ویراستار: مرصیه رحیمی (استاد دانشگاه تهران)
 ناظر چاپ: محمد اسمعیلی زارع
 طراح جلد: امین سادغان
 اجرا: انطه سادغان
 چاپ اول: ۱۳۸۸
 تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
 چاپ و صحافی: نشر نسا
 بهار ۱۳۹۰: ۵۵۰۰ تومان
 ردیف انتشار: ۸۸-۳۵

زبانی» و «صورت حیات» ویتگنشتاین، ایمان را از نظر وی مسئله‌ای مرتبط با شیوه زندگی و زیست‌حیات مؤمنان معرفی کردند.

دکتر پورحسن در بخش دیگری از سخنان خود، با اتکا به آرای علامه طباطبایی، شدت و ضعف ایمان را با ادله‌های عقلی مرتبط دانستند و به سه نکته مهم از منویات ایشان درباره جایگاه عقل اشاره کردند: ۱. همه احکام دینی تعطیل بردارند؛ ۲. همه معارف دینی قابل اصابت به عقل هستند؛ ۳. ادله‌های عقلی نسبت به ایمان امری پیشنی هستند نه پسینی.

دکتر پورحسن در پایان و در تأکید بر عقلی بودن ایمان، گریزی به اندیشه‌های شهید مطهری زدند و سه رکن ایمان را با توجه به آرای این شهید بزرگوار استخراج کردند: معرفت، تسلیم و عشق.

دکتر استفان دیویس - استاد دانشگاه کالیفرنای آمریکا - آخرین سخنرانی این همایش را با عنوان «ایمان، بدهت و بدهات‌گری» ایراد کردند.

ایشان در ابتدا، آرای لینفورد و برتراند راسل در اعتراض به ایمان دینی را عنوان کردند و سپس اقتضائاتی را برشمردند که باورهای مردم را تحت تأثیر بدهت قرار می‌دهد.

این استاد فلسفه، در ادامه، با تقسیم‌بندی بدهت به عمومی و خصوصی، باور به خدا را بر بدهت خصوصی مبتنی دانستند و این ادعا را که باور به بدهت خصوصی به خردگریزی منجر خواهد شد، رد کردند و سپس نتیجه گرفتند که باور دینی می‌تواند کاملاً عقلانی باشد.

هم‌اندیشی در قم

(دکتر محسن جوادی، دکتر محمدعلی شمالی، دکتر علیرضا قاسمی‌نیا، حاج محمد لکنه‌اوزن، دکتر محمدعلی مبینی، دکتر اندروو چیگل)
 هم‌اندیشی معرفت‌شناسی دینی، در روزهای اول و دوم اردیبهشت‌ماه در قم دنبال شد.

دکتر محسن جوادی - عضو هیئت علمی دانشگاه قم - مقاله خود را تحت عنوان «جایگاه معرفتی باورهای دینی در اسلام» ارائه کردند و در آن، ضمن اینکه باور به خدا را دارای دو جنبه عینی و ذهنی دانستند، درجات مختلفی را برای آن متصور شدند.

ایشان در ادامه، یقین را به چند نوع تقسیم کردند: «یقین عقلانی قیاس»، «یقین عقلانی استقرایی»، «یقین بصیرت مستقیم»، «یقین حقیقت مطلق».

این استاد فلسفه دانشگاه قم از سویی یقین استقرایی را به دلیل فقدان ضرورت معرفتی نزد متفکران مسلمان فاقد اعتبار معرفی کردند و از سوی دیگر، بر اعتبار سایر براهین نزد این متفکران تأکید کردند و دلایلی نیز برای آن آوردند:

۱. حصول ایمان، نتیجه کناره‌بندان هر نوع شک عقلانی شیوه‌های استدلالی است؛
۲. دست‌یازی اکثر مردم به یقین نه از راه مستقیم بلکه از طریق استدلالی صورت می‌پذیرد؛
۳. استناد به براهین عقلانی اثبات وجود خداوند، به تقویت این براهین در

انسانی تمایز قائل شدند و ارتباط با خداوند را فرع بر پذیرش دانستند نه فرع بر باور، و از سوی دیگر، ارتباط با خدا را مستلزم آگاهی ندانستند و رابطه نفس‌الامری را در این خصوص مهم جلوه دادند. استاد دانشگاه امام صادق (ع) در ادامه ارائه ادله خود مبنی بر رد نظر شلتبرگ، اساس تبیین وی را زیر سؤال بردند و گفتند:

لازمه تبیین یک مسئله این است که همه عوامل مؤثر در تبیین آن مسئله را در اختیار داشته باشیم. اگر مسئله خفای الهی به‌عنوان مسئله‌ای واقعی مطرح باشد، توجه کردن صرف به محبت الهی کار نادرستی است. باید تمام صفات الهی از جمله حکمت الهی را نیز در تبیین لحاظ کرد.

دکتر اکبری با اشاره به اینکه تأخیر در حصول ایمان ممکن است به‌منظور تحکیم ایمان از سوی خدا صورت بگیرد، آن را اقتضای حکمت الهی و پاسخی به استدلال شلتبرگ دانستند و سپس به سراغ پاسخ جدید اسلام به این استدلال رفتند و توجه حاضران را به دو نکته جلب کردند:

۱. انسان‌ها واحد و یکسان نیستند و هر یک اقتضات خاص خود را دارند؛

۲. مجموع تبیین‌های خانگرایان در مقایسه با تبیین شلتبرگ موجه‌تر است. این استاد فلسفه و کلام در ادامه صحبت‌های خود در قالب مقوله‌ای با عنوان «تفسیر اجتماعی» و با اتکا به اینکه قوای ادراکی انسان‌ها طی مدت طولانی و تحت آموزش‌های مختلف در اجتماع از بالقوگی به بالفعلی درمی‌آیند، انسان‌ها را در کسب فضایل معرفت‌شناختی به دو دسته تقسیم کردند: کسانی که از این فضایل بهره‌مند می‌شوند و افرادی که دچار غفلت می‌شوند.

ایشان با این اعتقاد، خفای الهی را از مرتبه وجودشناختی به مرتبه معرفت‌شناختی تقلیل دادند و آن را نایبایی معرفتی انسان‌ها دانستند.

نشست چهارم

(دکتر ژوستین بارنارد، دکتر قاسم حسن‌پور، دکتر استفان دیویس)
 مطلع نشست چهارم، سخنرانی ژوستین بارنارد - استاد دانشگاه یونیون آمریکا - بود. ایشان در مقاله خود با عنوان «معرفت‌شناسی دکارتی و باور دین»، میراث معرفت‌شناسی نوگرایی رنه دکارت را بررسی کردند و با این استدلال که معرفت‌شناسی دکارت نوعی فردگرایی افراطی را به تفکر غربی القا کرده است، به وجود ناسازگاری‌های بنیانی بین معرفت‌شناسی دکارتی و ادیان توحیدی اشاره کردند.

دکتر پورحسن - استادیار دانشگاه علامه طباطبایی - به عنوان دومین سخنران نشست چهارم، عنوان «ایمان عقلانی» را برای مقاله خود برگزیده بودند. ایشان در سرآغاز بحث خود، به نزاع متکلمان اسلامی و مسیحی درباره عقلانی یا ذهنی بودن ایمان اشاره و با رجوع به آرای کی‌پرکگارد، ویتگنشتاین، علامه طباطبایی و شهید مطهری، موضوع موردنظر را بررسی کردند.

دکتر پورحسن پس از ذکر مقدماتی از آرای کی‌پرکگارد، نتیجه گرفتند که وی ایمان را دلبستگی بی‌حد و حصر به خداوند معنا می‌کند و در نتیجه ایمان را غیرعقلانی، شورمندانانه و امری وجودی توصیف می‌کند.

استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی، سپس در قالب دو تئوری «بازی

عزیزه پژوهشگاه علوم انسانی ۱۳۸۸



خدا و دین در جهان پستامبرین
مؤلف: دیوید ری گرین
مترجم: حمیدرضا آبتاب
ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیر نشر: ناصر زعفرانی
ناظر چاپ: مجید اسمعیل‌زاد
طرح و اجرای جلد: اعظم ساداتین
حروفنگار و صفحه‌آرایی: شیرین موسوی آملی
نمونه‌خوان: سمیرا حسینی

چاپ اول: ۱۳۸۱
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
ردیف انتشار: ۸۸-۶۰

چاپ دوم: ۱۳۸۸
چاپ و صحافی: فرشیده
بها: ۲۵۰ تومان

سخنرانی‌ها و همایش‌های برگزار شده:

گروه مطالعات قرآنی

خانم دکتر پارس و خانم دکتر قبادی
۸۹/۱/۲۵ • تحلیل انتقادی دیدگاه‌های خاورشناسان
درباره جمع قرآن کریم

گروه فیک

خانم فاطمه پوران
۸۹/۱/۲۸ • رشد فضیلت اخلاقی از دیدگاه لارنس کلبِرگ

پژوهشکده علوم اجتماعی

دکتر ناصر تکمیل همایون
۸۹/۱/۲۰ • مفهوم فرهنگ در شاهنامه فردوسی

گروه فلسفه کلام

آقای دکتر احمدی و آقای دکتر میری و آقای دکتر مبینی
۸۹/۲/۱۵ • معرفت‌شناسی تطبیقی

گروه فیک

خانم سارا منصفی
۸۹/۲/۲۱ • نشست مطالعاتی با موضوع تاثیر اجرای
برنامه آموزش فلسفه بر فضیلت اخلاقی کودکان

گروه فلسفه دین

دکتر لیدر عباس عزیزمائی و دکتر غلامحسین خدیری و دکتر
هلای و کپلی و دکتر هدایت علوی‌نبار و حسین احمدی‌زاده
۸۹/۲/۲۹ • درس گفتارهایی در فلسفه دین

گروه مطالعات قرآنی

دکتر سید محسن میری و دکتر فروغ پارسا
۸۹/۲/۲۹ • درآمدی بر گرایش‌های فکری معاصر
در تفسیر قرآن کریم

پژوهشکده تاریخ

دکتر علی نظری
۸۹/۳/۲۲ • اسناد پارلمانی

پژوهشکده علوم اجتماعی

دکتر مهرداد نورائی
۸۹/۳/۳۲ • فرهنگ و جهانی شدن

شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی
(گروه فلسفه و کلام)

آیت‌الله سیدحسن مصطفوی و حجت‌الاسلام دکتر
محمدتقی سبحانی و دکتر محمد مهدی اعتصامی و

دکتر رضا اکبری و دکتر احمد پاکچی و دکتر محسن
جواد و دکتر محمد سعیدی و دکتر حسین کلیاسی
و دکتر رضا محمدزاده و دکتر حسین هوشنگی
۸۹/۳/۱۶

نشست تخصصی وضعیت کنونی آموزش کلام،
محورها:

کلام در جهان اسلام معاصر؛ وضعیت کنونی کلام
شیعی، جریان‌های کلامی نوظهور
آسیب‌شناسی وضعیت کنونی آموزش کلام و راهکارهای
اصلاحی؛ آموزش کلام و منابع درسی آن در حوزه‌ها و
دانشگاهها، آموزش کلام و منابع درسی آن در آموزش و
پرورش، روش‌های نوین در آموزش تعلیم کلامی در
جهان، مسائل کلامی نوین مطرح در جوامع اسلامی

فراخوان مقاله

گروه فکرپروری برای کودکان و نوجوانان
(فیک) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
فصلنامه تفکر و کودک (پیش شماره فصلنامه
علمی پژوهشی تفکر و کودک) ویژه فلسفه
برای کودکان و نوجوانان را به چاپ می‌رساند.
مضامین زیر مورد توجه هیئت تحریریه قرار خواهد
گرفت:

- ۱- فلسفه برای کودکان و نوجوانان و آموزش تفکر
(تفکر انتقادی، خلاق، مسئولانه و...)
 - ۲- فلسفه برای کودکان و نوجوانان و آموزش و پرورش
 - ۳- فلسفه برای کودکان و نوجوانان؛ آموزش
اخلاقیات، حقوق شهروندی و اخلاق زیستی
 - ۴- فلسفه برای کودکان و نوجوانان و جامعه مدرن
 - ۵- حقوق آموزشی کودکان و نوجوانان و مسئولیت‌ها
 - ۶- فلسفه برای کودکان و نوجوانان و روانشناسی
کودک
 - ۷- فلسفه برای کودکان و نوجوانان و ادبیات داستانی
 - ۸- فلسفه برای کودکان و نوجوانان در برنامه‌های
مختلف آموزشی
 - ۹- فلسفه برای کودکان و نوجوانان در کشورهای
مختلف دنیا و دستاوردهای آن
 - ۱۰- فلسفه برای کودکان و نوجوانان و واکنش‌ها
در ایران
 - ۱۱- فلسفه دوران کودکی
- از عموم استادان، صاحب‌فکران و دانشجویان
علاقه‌مند دعوت می‌شود چکیده مقاله‌های
تألیفی خود را برای چاپ در اولین پیش‌شماره
این فصلنامه ارسال کنند.
آخرین مهلت ارسال چکیده مقاله: ۱ خرداد ۱۳۸۹

آخرین مهلت ارسال متن کامل مقاله: ۱ تیرماه
۱۳۸۹

پست الکترونیک: fabak_g@yahoo.com

(لطفاً در عنوان ذکر شود، برای مجله تفکر و کودک)
شماره تلفن: ۸۸۰۵۳۹۳۶ (خانم موسوی)

گروه فکرپروری برای کودکان و نوجوانان (فیک)
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره
یک ماهه آشنایی با برنامه فیک کارگاههایی را به
شرح ذیل برگزار میکند:

- ۱- مبانی نظری فلسفه برای کودکان
- ۲- اهداف، ضرورت‌ها و روش‌ها
- ۳- تاربخچه
- ۴- نقش متفاوت معلم در این برنامه
- ۵- کتابها و منابع موجود
- ۶- رویکردهای مختلف
- ۷- مبانی روان‌شناختی شامل نظریات درباره رشد کودک
- ۸- روش‌های آموزش تفکر انتقادی
- ۹- داستان‌های برنامه فیک
- ۱۰- دستاوردهای این برنامه در کشورهای مختلف
- ۱۱- ترجمه داستان و نقد ترجمه‌های موجود
- ۱۲- فلسفه برای کودک و فلسفه تعلیم تربیت
پدیدوسیله از عموم معلمان، دانشجویان و متولیان
آموزش و پرورش دعوت میشود در این کارگاهها
شرکت کنند.
طول دوره: ۱ تیرالی-۳ تیر ۱۳۸۹ (هر روز ساعت ۸-۱۰)
۲۱ مکان برگزاری دوره: پژوهشگاه علوم انسانی
و مطالعات فرهنگی (بزرگراه کردستان، خیابان
۳۶ جنب ساختمان آ.اس.پ) آخرین مهلت ثبت
نام: ۱۵ خرداد ۱۳۸۹
هزینه: ۵۰۰۰۰ تومان (شامل هزینه شرکت در دوره
+ پذیرایی + جزوه)
در انتهای دوره به افرادی که در آزمون این دوره
نمره قبولی کسب کنند گواهی ارائه می‌شود
شماره حساب: ۰۱۰۲۳۳۶۳۲۱۰۰۳ حساب سپهر،
بانک صادرات شعبه آ.اس.پ (به نام پژوهشگاه
علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) (میتوانید تصویر
فیش پرداختن را با فکس یا از طریق ایمیل برای
گروه فیک بفرستید یا آن را حضوری تحویل دهید).
تلفن: ۸۸۰۵۳۹۳۶ (خانم کیکاووسی) پست
الکترونیک: kargah.fabak@yahoo.com
مدارک لازم برای روز ثبت نام (۱۳۸۴/۱): اصل
شناسنامه یا کارت شناسایی معتبر و کپی آنها، ۲
قطعه عکس ۳.۵×۴، اصل فیش بانکی



گزارشی از همایش بین‌المللی فلسفه رسانه



گل و گیاه
در ادبیات منظوم فارسی تا ابتدای دوره معقول
مؤلف: علام‌الحسن رنگبر
ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیر نشر: ناصر زعفرانی
ناظر چاپ: سجاد اسمعیل‌زاد
طرح و اجرائی جلد: محمّد کلایانی
چاپ اول: ۱۳۳۲
چاپ دوم: ۱۳۸۶
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: پردیس دانش
ردیف انتشار: ۸۸-۳۷-۸۸-۳۷
بها: ۱۰۰۰۰ تومان
شابک ۹۷۸۹۶۴۲۶۴۲۴۵۵



مختلف بشر را عادت داده‌اند به جای آنکه با مسائل به صورت معرفت‌شناسانه برخورد کنند به صورت پدیدارشناسانه با مسائل مواجه شوند.

دکتر قاسم پورحسین به عنوان اولین سخنران این همایش که با موضوع "دین و رسانه: مطالعه‌ای در چیستی نسبت دین و رسانه" سخنرانی کرد گفت: رسانه دینی در دهه ۷۰ میلادی در آمریکا شکل گرفت و دو دیدگاه در مورد آن وجود دارد. یک دیدگاه جامعه‌شناسانه که اشخاصی چون گیدنز آن را مطرح کردند و دیگری دیدگاه کارکردگرایانه. وی افزود: در سنت فکری ما اولین بار امام محمد غزالی بحث تقسیم‌بندی میان دین و علوم را مطرح کرد و به نوعی بحث سایر علوم با دین را مورد توجه قرار داد. غزالی می‌گوید ما یا همه علوم را می‌توانیم در دین جستجو کنیم یا دین یک نگاه پارادیمی بر علوم دارد. لذا بحث دین و رسانه بحث جدیدی نیست.

پورحسین یادآور شد: دو رویکرد متمایز درباره نسبت دین و رسانه مطرح است. رویکرد نخست نه تنها قائل به ذات یا شأن مستقل برای رسانه در نسبت با ساخت‌های ارزشی و اجتماعی از جمله دینی است، بلکه ذات رسانه را سکولار دانسته و مهمترین خصصت رسانه را در استقلال تمام از ابعاد دیگر خاصه ابعاد ارزشی تلقی می‌کند.

وی با اشاره به اینکه رسانه چون اصالتاً ذات یک سر غیردینی و شادی‌ضددینی دارد نمی‌تواند تبدیل به ابزاری شایسته و مناسب برای ترویج الگوهای دینی و ارزش‌های قدسی باشد، گفت: این رویکرد نظریه مسلماً درباره رسانه در مقرب زمین به شمار می‌آید که کاملاً متأثر از آرای آنان درباره ساخت اجتماعی و سیاسی است.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی یادآور شد: رویکرد دوم که در سه دهه اخیر در ایران پیروان بسیاری پیدا کرده در روند تاریخی پیدایش رسانه و تأثر آن از مسیحیت در غرب تأکید داشته و مهمترین بعد رسانه را جنبه دینی آن بر می‌شمارد.

دکتر غلامرضا آذری عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی و روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز که با عنوان درک و معنای "فلسفه ارتباطات" در اندیشه وجودشناسانه کارل پاپپرس سخن می‌گفت، در این مورد اظهار داشت: کارل پاپپرس از برجسته‌ترین و کلیدی‌ترین متفکران و چهره‌های شناخته شده مکتب اگزیستانسیالیسم است که با وجود اشتراک نظرهایی که با دیگر اندیشمندان این مکتب دارد از دیدگاه و نظریه‌های خاصی برخوردار بوده و همواره مسئله انسان و ارتباطات او محور توجه عقاید بسیاری از نظریه‌ورزان حوزه فلسفه ارتباطات بوده است. در فلسفه وجودشناسانه او معنا و مفهوم ارتباطات نقطه شروع است و رابطه عمیق با مراتب وجود دارد. در ادامه این نشست دکتر محمد الحگری استاد دانشکده صدا و سیما با عنوان درآمدی بر فلسفه تلویزیون سخن می‌گفت و با اشاره به اینکه فلسفه تلویزیون موضوع گسترده‌ای است گفت: سه نگاه به فلسفه رسانه وجود دارد. نگاه و برداشت اول تلویزیون



مواجهه فلسفی با رسانه

همایش بین‌المللی "فلسفه رسانه" روز دوشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به عنوان سخنران افتتاحیه این همایش با اشاره به اینکه قرن ۲۱ قرن رسانه است گفت: تمام ابزارهای قدرت خودشان را در رسانه جمع کرده‌اند. برای همین هم تحقیقات در مورد رسانه مانند تحقیقاتی است که ما در زمینه بررسی‌های اجتماعی و نظامی انجام می‌دهیم. وی افزود: همان گونه که برای یک کشور داشتن هواپیمای فوق مدرن بمنظور حراست و حفاظت اهمیت دارد، به همان اندازه نیز رسانه اهمیت یافته است. هویت یک ملت با هویت رسانه‌های آن گره خورده و تمامی مناسبات بین‌المللی را رسانه می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد. رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: رسانه در خود فلسفه رسانه هم می‌تواند مؤثر باشد. در تفکر فلسفی رسانه‌ها به علت نمایش موارد مختلف از سنت‌ها و اندیشه‌های



را به مثابه بازتاب و نقد روندهای دانش رسانه‌ای بررسی می‌کند. اخگری یادآور شد: برداشت دوم پدیده‌های تلویزیون را ذیل پدیده‌های فلسفی تقسیم می‌کند. از این رو می‌توانیم به متون کلاسیک فلسفی برگردیم و ارتباط آن‌ها را با رسانه دریابیم. برداشت سوم مانند دو برداشت قبل نیست و معتقد است که رسانه همکار و ابزار در تفکر است و رسانه هم در گردآوری، تنظیم و ارایه اطلاعات با تفکر همراه خواهد بود. وی افزود: براساس برداشت اول تصویری که تلویزیون دارد با سایر تصاویر متفاوت است. از نظر برداشت دوم برای اولین بار ریچارد دینز تلویزیون را از منظر فلسفی مورد توجه قرار داد. برداشت سوم که معتقد است تلویزیون به عنوان ابزار و همکار رسانه مطرح است، براساس این برداشت دگرگونی در تصویر رسته‌های دگرگونی در تصویر را موجب می‌شود.

در ادامه این نشست دکتر کارمن گارسی مارتین استاد مدرسه قانون دانشگاه لاکورنا اسپانیا که با موضوع انتشار ایده‌های مذهبی از طریق رسانه سخن می‌گفت، با مورد توجه دهن رسانه و تلویزیون در اسپانیا گفت: اهمیت نقشی که رسانه - عمدتاً تلویزیون - در انتشار ایده‌های مذهبی دارد برابر با اهمیت نقشی است که آموزش مدارس در زمان گذشته داشته است ولی ظرفیت آن به خاطر برخی عوامل کلیدی گسترده‌تر نیز هست.

وی با اشاره به اینکه پیام‌های پخش شده از طریق تلویزیون به گوش توده انبوهی از مردم می‌رسد، گفت: برخی مخاطبان در شرایطی زندگی می‌کنند که جدای از دیگران هستند و مرزها معمولاً با وجود فناوری‌های جدید که ارسال پیام از فواصل دوری که خارج از محدوده حکومت دولت است را میسر می‌سازند از میان می‌روند. علاوه بر این ممکن است پیام انتقادی بی‌خطر باشد بدین معنا که گیرنده قبلاً تقاضایی برای دریافت آن نکرده باشد. استاد دانشگاه اسپانیا یادآور شد: دولت‌ها به دلیل تبعاتی که دامنگیر آزادی مذهبی و کنترل رسانه می‌شود، به شدت در این زمینه حساس هستند.

دکتر سید حسن حسینی استاد گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف که در همایش فلسفه رسانه با عنوان "ماهیت رسانه، هویت دین؛ سازگاری یا ناسازگاری" سخنرانی می‌کرد، گفت: بحث من یک مطالعه نظری در مورد فلسفه تکنولوژی از یکسو و فلسفه دین از سوی دیگر است. یکی از خلاه‌هایی که در مطالعات رسانه و دین وجود دارد این است که مشخص نیست کدام ماهیت از رسانه و دین مدنظر است. در فلسفه تکنولوژی بحث اصلی روی رسانه‌هاست. تفکیک بین تکنولوژی و معرفت مقوله بسیار مهمی است. رسانه را از دو منظر ارزش‌ها و قدرت و کنترل انسانی می‌شود تقسیم کرد.

استاد گروه علم دانشگاه شریف افزود: رسانه‌ها یا دارای ارزش یا خود نیستند یا ارزش‌ها هستند و بار ارزشی یا خود حمل می‌کنند. رسانه یا خودمختار است و یا در کنترل انسان است. از ضرب این دو حالت چهار نظریه و حالت به وجود می‌آید. اگر رسانه بی‌طرف باشد و در کنترل انسان باشد نظریه ابزارگرایانه را داریم. اگر رسانه بی‌طرف باشد و خودمختار هم باشد این نظریه موسوم به دترمینیسم است. اگر رسانه ارزش‌ها باشد و خودمختار نیز باشد نظریه ذاتگرایی را داریم. اگر رسانه ارزش‌ها باشد و در کنترل انسان نیز باشد نظریه‌های انتقادی را داریم.

حسینی تصریح کرد: رسانه‌ها هیچ هویت فرهنگی مستقل و ارزش ذاتی ندارند و هر گونه پیام را می‌شد از آن پخش کرد یعنی می‌توان معانی دینی و غیردینی را از طریق آن منعکس کرد. به طور کلی دترمینیسم نظری‌های است که

معتقد است هر چیزی که حادث می‌شود متصل به اموری پیشینی است که بر این اساس تعین پیدا می‌کند. دترمینیسم تکنولوژیک معتقد است که ظهور تکنولوژی‌های مدرن همه تحولات انسانی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و انسان هیچ گونه دخالتی در این مسیر خودمختار نمی‌تواند داشته باشد.

این استاد فلسفه علم افزود: در مورد دین نیز به لحاظ هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی می‌شود دست به تقسیم‌بندی زد. از جنبه هستی‌شناسی رئالیسم هستی‌شناسانه را داریم که معتقد است خدا وجود دارد و دارای صفاتی مستقل از ادراک انسانی است. یک دیدگاه دیگر هم دیدگاه غیررئالیستی است حال اگر در موضوع دین به لحاظ هستی‌شناسی رئالیست باشید و به لحاظ معرفت‌شناسی نیز رئالیست باشید طیف دیدگاه‌های سنتگرایی را به وجود می‌آورد. اگر از جنبه هستی‌شناسی ضد واقع‌گرا بود و به لحاظ معرفت‌شناسی امکان معرفت از خدا وجود داشته باشد، با تحویل‌گرایی مواجه هستیم اگر از لحاظ هستی‌شناسی رئالیست باشید و از لحاظ معرفت‌شناسی ضد رئالیست دیدگاه وجود را داریم اگر از لحاظ هستی‌شناسی ضد واقع‌گرا باشید و از لحاظ معرفت‌شناسی نیز ضد واقع‌گرا باشید دیدگاه پوزیتیویسم منطقی را داریم.

به نظر حسینی نسبت و سنجش میان این دیدگاه‌ها مهم است. نسبت میان دین و رسانه طیفی از سازگاری یا ناسازگاری را به وجود می‌آورد. به عنوان مثال اگر ابزارگرا باشید می‌توانید رسانه دینی داشته باشید که در این حالت می‌توانیم به سازگاری دین و رسانه حکم کنیم. در میان نظریات مذکور تحویل‌گرایی بیشترین سازگاری را با دین دارد.

دکتر بیژن عبدالکریمی استاد فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی در همایش فلسفه رسانه به بررسی موضوع "رسانه‌های مدرن و انسان رسانه‌ای و بسط نهیلیسم" پرداخت.

وی گفت: در این بحث چند نکته مهم است. نکته اول ضرورت یک مواجهه فلسفی با رسانه‌های مدرن و نقد هرگونه نگاه ابزارانگارانه است. دومین نکته این است که چگونه جهان ما جهانی رسانه‌ای است و نکته سوم این است که ما با انسانی مواجه هستیم که در جهان مدرن ظهور کرده و آخرین نکته این است که چطور این جهان رسانه‌ای شده منجر به نوعی بسط بی‌معنایی البته به معنای فلسفی آن شده است.

این استاد فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی افزود: در مورد نکته اول که ضرورت درک فلسفی جهان رسانه‌ای جدید است، باید توجه داشت که هر روز به رسانه‌ها وابسته‌تر می‌شویم. لذا ما نیازمندیم یک مواجهه فلسفی با رسانه‌ها هستیم. در حوزه مطالعات رسانه‌ای بحث‌های زیادی وجود دارد. در این مباحث معمولاً چارچوب‌های تحلیلی از حوزه‌های دیگر گرفته می‌شوند. مثلاً به رابطه قدرت و رسانه پرداخته می‌شود. در این نوع پژوهش‌ها رسانه با علم سیاست پیوند می‌خورد یا به عنوان مثال رسانه را یک امر اجتماعی می‌دانند و یا اینکه چطور از رسانه‌ها در صنعت فرهنگ و فرهنگ‌سازی استفاده می‌شود. همان گونه که مشاهده می‌شود در تمام این بحث‌ها رسانه به مثابه واسطه میان صاحب پیام (قدرت سیاسی و اقتصادی) و مخاطبان تلقی می‌شود. در پژوهش‌های رسانه‌گویی رسانه ظرف توخالی است که محتوا را از جای دیگر می‌گیرد. جهان ما به شدت رسانه‌ای شده است و نحوه هستی ما نیز رسانه‌های شده است.

سیاوش جمادی که در همایش بین‌المللی فلسفه رسانه با عنوان "صنعت فرهنگ" سخنرانی می‌کرد با اشاره به اینکه تمرکز بحث او در صنعت



فرهنگ آرای متفکران مکتب فرانکفورت خواهد بود، تصریح کرد: بحث صنعت فرهنگ در سال ۱۹۴۷ و توسط آدورنو و هورکهایمر در کتاب "دیالکتیک روشنگری" مطرح شد.

وی افزود: بحث رسانه از زمانی مورد توجه قرار گرفته که انسان اراده کرد خود را برای دیگران اظهار (express) کند. یعنی خودش را به بیرون از خودش پرتاب کند این مسئله برای فلسوفی مثل ارسطو این گونه مطرح بود که انسان موجودی مدنی بالطبع است. یعنی انسان به طور ذاتی اجتماعی و مدنی است.

وی در ادامه با اشاره به تفاوت تعریف فرهنگ در صنعت فرهنگ یا سایر تعاریف افزود: کلمه فرهنگ در صنعت فرهنگ به طور اساسی یا کلمه فرهنگی که تاکنون به کار می‌رفته هم مدلول نیست. تعریف آدورنو از فرهنگ با تعریف از فرهنگ به معنای آداب و رسوم و قراردادهایی از گذشته به یک معنا نیست. در بحث صنعت فرهنگ، تاکید آدورنو بر صنعت است. چون این رسانه صنعتی است که در دوران جدید قدرت تکثیرپذیری و بازتولید قراورده هنری را به طور چشمگیری بالا برده است.

دکتر بهمن نامور مطلق عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در همایش بین‌المللی فلسفه رسانه به بررسی موضوع "رسانه در عصر بیناها و تراها یا تاکید بر چند-بیتا و ترا رسانه" پرداخت و گفت: عصر حاضر را می‌توان عصر "بیناها"، و "ترا"ها و "چند"ها نامید زیرا مفاهیمی که با چنین پیشوندهایی ساخته شده اند بسیار فراوان و گوناگون می‌باشند. وی افزود: در این خصوص می‌توان به واژه‌های همچون بینامتن، بینادهن، بیتاکنش، بیناگفتمان و بینارشته اشاره کرد. البته با پیشوند "ترا" یا "چند" نیز تقریباً به همین تعداد واژه‌های نوینی ساخته شده است. این استاد دانشگاه در ادامه خاطر نشان کرد: رسانه نیز از این قاعده مستثنا نبوده چنانکه شاهد تاملیری همچون چند رسانه‌ای (Multimedia)، بینارسانه‌ای (intermedialite) و ترارسانه‌ای (Transmedialite) هستیم. وی تصریح کرد: بی تردید این فقط واژه‌ها نیستند که با پیشوندهایی تغییر می‌کنند یا ابداع می‌شوند بلکه این اصطلاحات بیانگر دگرگونی‌های اساسی تری در حوزه نظریه‌ها و نگرش‌های مربوط به رسانه هستند. این نظریه‌ها بر اساس گفتگومندی (Dialogisme) و آمیختگی (Hybritation) استوار گردیده است که از بستر مضامین و مفاهیم به رسانه‌ها و فنون گسترش یافته است.

در ادامه این همایش دکتر محمد شهبها استاد دانشکده سینما تئاتر به بررسی موضوع "همپوشانی نظریه و فلسفه فیلم" پرداخت و گفت: فلسفه فیلم حیطه‌ای از دانش است که همانندی‌هایی با نظریه فیلم دارد. نخستین تلاش در زمینه نظریه فیلم از ۱۹۱۶ با کتاب "بررسی روان‌شناختی فتوبلی" نوشته هوگو مانستربرگ آغاز می‌شود.

وی افزود: برخی از افرادی که آغازگر تاملات فلسفی درباره ماهیت سینما بوده‌اند- همچون سرگئی ایزنشتاین، و آندره بازن- دیدگاه فلسفی مشخصی ندارند بلکه دارای آراء پراکنده‌ای هستند.

شهبها خاطر نشان کرد: به نظر می‌رسد که رشته "فلسفه فیلم" برای نظام بخشی به اندیشیدن در مورد سینما شکل گرفته است. افزون بر این، حیطه نظریه فیلم، حیطه‌ای است فرعی در مطالعات فیلم (film studies). کسانی که در حیطه نظریه فیلم فعالیت کرده‌اند و اغلب فیلسوفان انگلوسامریکن هستند، در باب باورهای فلسفی‌ای که در این حیطه بوجود آمده هم رای نیستند. این

عدم اجماع، مشکل مهمی در حیطه نظریه فیلم است و به نظر می‌رسد که برخی فیلسوفان اصلاحاتی جزئی در حیطه نظریه فیلم اعمال کرده‌اند. همین اصلاحات گاه لزوم پایه‌ریزی دوباره حیطه نظریه فیلم را موجب شده است.

این استاد دانشگاه خاطر نشان کرد: به طور کلی، فلسفه سینما با رشته‌های مختلفی تداخل دارد. به عنوان نمونه می‌توان از تداخل این رشته با اقتصاد سینما و تاریخ سینما یاد کرد. البته باید گفت که بخشی از مباحث فلسفه فیلم، از پیش در مباحث زیبایی‌شناسی مطرح بوده و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. خاتم دکتر میشل اوت در این همایش به بررسی موضوع زیباشناسی فیلم غیر فردی پرداخت. استاد نظریات زیباشناختی دانشگاه هامبورگ گفت: به هنگام صحبت از زیباشناسی و رسانه در زمان خودمان باید تغییراتی که زیباشناسی، به خاطر دیجیتال شدن شیوه بیانمان از سر گذرانده است را در یاد داشته باشیم.

وی تصریح کرد: امروزه بسیاری از تولیدات فیلم با استفاده از سیستم صدا و تصویر دیجیتال ارائه می‌شوند که مطمئناً باعث تغییر در ظاهر فیلم‌ها می‌شود. بنابراین ما باید که تغییرات زیباشناسی فیلم را که به خاطر روش‌های جدید تولید و پسا تولید هستند، توضیح دهیم.

وی افزود: برخلاف بسیاری از نظریه پردازان موافق این ادعا نیستیم که شتاب، در دیجیتال شدن موجب تباهی زیباشناسی فیلم می‌شود. کاملاً برعکس، می‌خواهیم سئوالاتی را در مورد تغییرات ذاتی رسانه جدید بررسی: فناوری جدید به چه طریقی می‌تواند در تولید تصاویر جدید، اصلاح آنها، نشان دادن جنبه‌های نادیده شده در آنها و سرانجام به خلق زیبایی‌شناسی جدید کمک کند؟ این فناوری چگونه در تصویرسازی و روایت تاریخی جمعی موثر است؟ این فناوری چگونه در تصویرسازی و روایت تاریخ جمعی موثر است؟

این استاد دانشگاه خاطر نشان کرد: طرح من این است که رسانه جدید در توسعه زیباشناسی غیرفردی (dividual) موثر است بدین معنا که دیگر محصولاتی که ما قبلاً اثر هنری فردی (individual) می‌نامیدیم و شامل تصاویر اصلی و اثر انگشت شخص فیلم‌ساز می‌شدند را تولید نخواهند کرد، بلکه در زمینه‌ای از بیانات چرخشی و نه شخصی مداخله می‌کنند که خودشان تصاویر و صداهای تعیین شده را برای تغییر و بازسازی و صورت بخشی شیوه منفرد و جدیدی از بیان انتخاب کنند. به خاطر بازتولید و تکرار ذاتی‌شان که این زیباشناسی‌ها را باید غیر فردی نامید تامل درم قسمت‌هایی از چنین فیلمی مثل نمایشنامه زودگنتر اثر آنجلا ملیتیویولوس را نشان دهیم. فیلم، سعی بر بازسازی خاطره جمعی مردم یونان از آغاز قرن بیستم تا امروز را دارد و قابلیت‌ها و محدودیت‌های زیباشناسانه خود را فهرست می‌کند.

تهیه کننده: منوچهر دین پرست



ارتقاء:

جناب آقای دکتر حسین کلیاسی

ارتقای آن فرهیخته و فرزانه عزیز به مقام «استادی» موجب خرسندی گردید. صمیمانه‌ترین تبریکات ما را بپذیرا باشید.

حیدررضا ایشااهی و همکاران شما در پژوهشگاه علوم تفاسی و مطالعات فرهنگی



بازگشت همه به سوی اوست: بزرگداشت مرحوم علی محمد حق شناس

یدالله ثمره - استاد زبان شناسی و استاد بازنشسته دانشگاه تهران - به بیان خاطرات خود با علی محمد حق شناس پرداخت و گفت: در بین این جمع که همه عزادار حق شناس هستند، من قدیمی ترین دوست او هستم و این ادعا را می توانم داشته باشم! چون از سال ۱۳۴۳ یعنی ۴۵ سال پیش زمانی که در انگلستان تحصیل می کردم، با او آشنا شدم. او به بیان خاطرات آشنایی خود با حق شناس پرداخت و گفت: آشنایی ما با ملاقاتی پر از احساس شروع شد و اکنون برای من مشکل است تا درباره حق شناس حرف بزنم! چون از آن به بعد ما همدیگر را به صورت مرتب می دیدیم و نزدیک ترین دوست یکدیگر بودیم. ثمره گفت: آخرین دیدار با حق شناس در خانه آموزگار اتفاق افتاد و او در آن زمان نیز حال خوبی نداشت؛ اما هر کسی را بیش تر از خودش دوست می داشت و به خود توجه نمی کرد. او حق شناس را عاشق خواند و افزود: وجودش پر از احساس بود و این احساس شاعرانه را حتی در آثارش نیز می توان دید. ثمره در ادامه، دو شعر برای مرحوم حق شناس خواند که یکی سروده خود او بود و دیگری شعری از شاه نعمت الله ولی. این پژوهشگر همچنین از همسر حق شناس تشکر کرد و گفت: او در تمام سال هایی که در ایران بود، هیچ گاه فکر نکرد که به کشور خود بازگردد؛ زیرا زنی فداکار است و مشکلات را تحمل کرد و با حق شناس ماند. سپس احمد سمیعی گیلانی - عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی - حق شناس را استاد خود خواند و افزود: اگرچه حق شناس استاد رسمی من نبود؛ اما معلم غیررسمی من بود و من در بسیاری از مجامع و محفل ها از او درس های بسیاری آموختم. او تأکید کرد: حق شناس در میان استادان زبان شناسی ما ظاهراً یگانه کسی بود که با ادبیات و نقد و نظریه ادبی نیز آشنایی عمیقی داشت. او حتی مترجم آثار ادبی بود و ترجمه او از کتاب "وطن فروش" مهارتش را در ترجمه آثار ادبی نشان می دهد و به جرات می توان گفت که ترجمه ادبی او به مراتب بهتر از ترجمه های علمی اش بود. سمیعی تأکید کرد: گاهی شاعران عواطف را به زبان شعر بیان می کنند و گاه اندیشه های خود را. حق شناس بیشتر اندیشه های خود را به زبان شعر بیان می کرد؛ او در توصیف شعرهای حق شناس خاطر نشان کرد: اشعار حق شناس پاره هایی پرمغز از نوع هایکوی ژاپنی است که بسیار دلچسب است و پیش از این در ادب فارسی کم تر بوده است. تنها بیژن جلالی اشعاری سبید از این نوع دارد؛ اما پرمایگی اشعار حق شناس و غلظت ادبی آن ها بیشتر است. در واقع حق شناس بیش از همه شاعر بود. این پژوهشگر تصریح کرد: حق شناس اهل مجادله نبود و زمانی که می دید مخاطب معنای حرف او را نمی فهمد و از روی جهالت عناد می کند، سکوت می کرد و ادامه نمی داد. سمیعی تأکید کرد: حق شناس با گروه ادب معاصر فرهنگستان زبان و ادب فارسی به عنوان مشاور همکاری داشت و اندرزهای او بسیار راهگشا بود و اکنون جای خالی اش در محیط های دانشگاهی و فرهنگی به آسانی پر نمی شود. کتابیون مردابور - استاد پژوهشگاه زبان شناسی - نیز حق شناس را دارای عطیه و فروغ الهی دانست و افزود: به این علت است که او از یک دانشجوی چهارمی به فروغ آسمان ادب تبدیل شد. او حق شناس را با گیل گمش مقایسه کرد و گفت: حق شناس مانند گیل گمش دوسوم وجود خود را از خدایان وام گرفته بود. او در توصیف حق شناس گفت: حق شناس اصرار داشت از دانش روز باخبر باشد و به قول خودش بر دانش فرنگان مسلط بود. وی روزآمد بود و از جزئیات آن دانش آگاه بود و همین تلفیق ایرانی بودن و جهانی بودن اوست که دانش او را ممتاز می کند. مردابور تأکید کرد: شرافت، حرمت و عشق به

مراسم بزرگداشت مرحوم علی محمد حق شناس در تاریخ ۸۹/۲/۲۶ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این مراسم، دکتر مصطفی عاصی - مدیر انجمن زبان شناسی ایران - در این مراسم گفت: این سالن بارها شاهد حضور حق شناس بوده و طنین صدای گرم او هنوز در گوش ماست و ما اکنون در سوگ کوچ او نشسته ایم.

او تأکید کرد: از زمان رفتن حق شناس تاکنون چند وقت است که ما در حال صحبت درباره سجاای اخلاقی او هستیم و این اوج خوشبختی اوست. من حق شناس را از سال های پیش از ۷۵ می شناسم و از نگاه ظریف و آگاهانه اش به زبان و زبان شناسی آگاه هستم و این نکته در گفتار شمرده و باطمینان او آشکار بود. عاصی همچنین خاطر نشان کرد: گفته اند می شود عشق و نفرت در وجود کسی همراه یا هم باشد؛ اما وجود برخی آن قدر لبریز از عشق است که نفرتی در آن نمی ماند. حق شناس این گونه بود. او عاشق تدریس و آموختن بود و عاشقانه رفت.

مدیر انجمن زبان شناسی صحبت های خود را با این شعر به پایان برد که "هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق / ثبت است بر جریده عالم دوام ما". در ادامه، ناصر تکمیل همایون - استاد پژوهشگاه علوم اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - آشنایی خود را با حق شناس از سال های تحصیل در دانشسرای عالی عنوان کرد و گفت: اگرچه حق شناس، زبان شناس، شاعر، ادیب و فرهنگ نگار بود؛ اما من احساس می کنم فرهنگ نگاری کار بسیار بزرگی است. برخی چند فرهنگ را با هم تلفیق می کنند و حق آن کسی که فرهنگ را برای بار اول نوشته است، مشخص نمی شود؛ اما حق شناس کار جدیدی خلق کرد و با یک دید جدید علمی و مردمی به فرهنگ نگاری پرداخت. او از سلیمان حبیب در فرهنگ نگاری خود ناسی کرده است و زمانی که "فرهنگ هزاره" او را ورق می زنی، احساس می کنی بسیار علمی و با تعهد نوشته شده است.

تکمیل همایون با بیان این که وجود حق شناس برای فرهنگ کشور ما بسیار گرانبه بود، او را فردی دانست که همراه با علم، اهل تزکیه بود و گفت: حق شناس اول اهل اخلاق و تزکیه بود و بعد دنبال علم بود و اگر علم را به دست می آورد، برای تزکیه نفس بود. محمدتقی راشد محصل هم سکوت حاضر در سالن و تائر در چهره حاضران را نشانه فقدان استادی دانست که هیچ گاه فراموش نمی شود.

او تأکید کرد: حق شناس در کار تالیف و ترجمه و متون شناسی استادی کم نظیر بود و تسلطی که در زبان انگلیسی و توانایی ای که در زبان فارسی داشت، قلم او را لطفی خاص می بخشید. کلام او بدون تصنع، گرم و گیرا بود و این بدون تسلط بر زبان مبدا و مقصد امکان پذیر نیست. راشد محصل یادآور شد که حق شناس درباره ترجمه های خود گفته است، "من ترجمه را بازسازی تمام یک متن در زبان مقصد می دانم؛ نه برگردان واژه های مبدا". او افزود: حق شناس در ترجمه های خود شیوه خاصی داشت و به ساخت زبان، شیوه بیان مفاهیم، کاربرد واژه ها و معانی لغوی آن ها توجه می کرد. این استاد دانشگاه خاطر نشان کرد که اکنون زبان شناسی ایران استادی توانا را از دست داده و خللی ایجاد شده است که به آسانی پر نخواهد شد. او حق شناس را انسانی شریف، مهرورز و مسئولیت پذیر توصیف کرد و گفت: او در دایره های علمی نه جانب افراط را می گرفت و نه تفریط. آن جا که کوتاهی می دید، برخورد می کرد و راستی را به پای دوستی نمی گذاشت. سخن سنجیده و سخته می گفت. در ادامه این مراسم،



گزارشی از فعالیت‌های گروه «فلسفه»

برای کودکان و نوجوانان (فبک)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی نیمه دوم سال ۸۸

برگزاری نشست های تخصصی

نشست تخصصی «دیدگاه‌هایی در فلسفه برای کودکان»
در تاریخ ۸۸/۱۰/۳۰ در سالن اجتماعات پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شد. در این نشست دکتر قاسم پورحسن مدیر گروه فلسفه برای کودکان پژوهشگاه پیرامون مباحث نظری فلسفه برای کودکان به سخنرانی پرداخت. دیگر سخنرانان نیز درباره مقاله‌هایی که در فصلنامه فرهنگ (شماره ویژه فلسفه برای کودکان) ارائه داده بودند سخنرانی کردند. موضوع سخنرانی خانم دکتر هدایتی «فلسفه برای کودکان؛ رایحه تفکر» بود. مقاله دکتر قائدی به برنامه درسی آموزش فلسفه بر کودکان در دوره راهنمایی و متوسطه اختصاص داشت. سعید ناجی با عنوان آسیب‌شناسی برنامه فبک و رویکرد سنت اسلامی به سخنرانی پرداخت. سخنرانی دکتر بانکی نیز پیرامون مقاله‌ای بود که در مجله فرهنگ به زبان آلمانی با موضوع «فلسفه برای کودکان در آلمان» ارائه داد.

نشست تخصصی «کودک و تفکر»

در تاریخ ۹ اسفند در پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شد. سخنرانان با موضوعات متفاوت به بررسی موضوع کودک و تفکر پرداختند. خانم دکتر مرگان رشتچی سخنرانی خود را با عنوان مباحث نظری رشد تفکر و زبان از دیدگاه ویگوتسکی و رابطه آن با فلسفه برای کودکان اختصاص داده بود. در ادامه دکتر مهدی معین‌زاده به سخنرانی درباره «مثنوی؛ برآورنده مراد فبک از داستان» پرداخت. همچنین سعید ناجی ویژگی‌های داستان‌های برنامه فبک را به عنوان موضوع سخنرانی خود مدنظر قرار داد. دکتر یحیی قائدی با موضوع «درآمدی بر آموزش منطق برای کودکان» سخنرانی خود را ارائه داد. موضوع سخنرانی خانم دکتر مهرنوش هدایتی «تأثیر اجرای برنامه فبک به صورت حلقه کندوکاو بر افزایش عزت نفس دانش‌آموزان» بود. در آخر دکتر صالح حسن‌زاده به سخنرانی درباره «نقش نفس و داستان‌های واقعی در رشد فکری کودکان» پرداخت.

برگزاری نشست‌های مطالعاتی

۳ نشست مطالعاتی در رابطه با فلسفه برای کودکان برگزار شد که دو نشست آن به حوزه روانشناسی و یک نشست به حوزه داستانی فلسفه برای کودکان اختصاص داشت. این نشست‌ها از سوی بخش روان‌شناسی به دبیری محمد حاجی‌زاده تحت عنوان «نظریه روانشناختی ویگوتسکی» در تاریخ ۸۸/۱۱/۶ توسط سوسن سالاری و «رشد قضاوت اخلاقی از دیدگاه کلبرگ» در تاریخ ۸۹/۱/۲۸ توسط فاطمه پوران، همچنین «هرمنوتیک در ادبیات و فلسفه» در تاریخ ۸۸/۱۲/۴ با سخنرانی دکتر مهدی معین‌زاده از سوی بخش داستان‌نویسی به دبیری رومی‌اسادات کرمانی برگزار شد.

انسانیت زمانی که با پژوهش همراه می‌شود، جلوه دیگری می‌یابد و زاینده می‌شود و دانش و خرد می‌آفریند و حق‌شناس این گونه بود. همچنین یحیی مدرسی - استاد پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - گفت: از زمانی که خبر مرگ حق‌شناس را شنیدم، بیش از چند روز می‌گذرد؛ اما هنوز پذیرش این حقیقت تلخ برام دشوار است؛ زیرا گویی او هنوز هم در میان ماست.

او افزود: چنین آدم‌هایی ماندگارتر از آن‌اند که بتوان نبودن آن‌ها را باور کرد و پذیرفت. چگونه است که برخی پیش از مرگ مرده‌اند و برخی بعد از مرگ نیز زنده می‌مانند؟

تقی پورنامداریان نیز صبر بر فقدان مردی را که مظهر تامل و معرفت بود، دشوار دانست و گفت: من شاگرد غیرمستقیم حق‌شناس بودم و او افتخار داده بود و مرا به دوستی نیز پذیرفته بود. او حق‌شناس را عاشق دانش و زیبایی معرفی کرد و گفت: دین گلی آن چنان او را به وجد می‌آورد که خواندن نوشته‌های درخور توجه. همچنین علی اشرف صادقی علی محمد حق‌شناس را صاحب نظر خواند و گفت: زمانی که او مقاله‌ای می‌نوشت، حتما در آن موضوع جدیدی را مطرح می‌کرد و همیشه در مقالات خود نکته پژوهشی جدیدی را می‌گفت. او برخی را دارای جنبه معلمی دانست و بعضی را دارای جنبه پژوهشی و تاکید کرد اما حق‌شناس هر دو جنبه را داشت. صادقی به رابطه حق‌شناس با دانشجویان خود اشاره کرد و گفت: حق‌شناس با افتادگی‌ای که داشت، با دانشجویان خود صمیمی می‌شد و حتی با آن‌ها رفت و آمد داشت و گاه با آن‌ها پرخاش‌های صمیمی هم می‌کرد. او حق‌شناس را شاعر خواند و افزود: او به واقع شاعر بود و روح شاعرانه داشت و در ترجمه‌ها و کتاب‌های خود و حتی در روابط خود با شاگردانش، این شاعرانگی را حفظ کرده بود. او به مراسم تشییع پیکر حق‌شناس اشاره کرد و گفت: مراسم تشییع پیکر حق‌شناس نشان‌دهنده محبوبیت او در میان دیگران بود. بهاء‌الدین خرمشاهی هم سابقه‌دوستی و آشنایی خود را با حق‌شناس به جلسه‌ای در منزل مصطفی رحیمی و نوشتن رساله دیالکتیک مربوط دانست و گفت: خوشحالم که حق‌شناس در زمان حیات طیبه خود به جلودانگی فرهنگی رسید. او تاکید کرد: چهره ماندگار شدن برای او چیز بسیار کمی است؛ او به ماندگاری واقعی رسید و این تنها چیزی است که تسلایبخش ما در فراق اوست. همچنین نگار داوری اردکانی به عنوان شاگرد حق‌شناس تاکید کرد: خاطره کلاس‌های او همیشه با من است و من همیشه آموخته‌های خود از او را به یاد دارم. او شعر سهراب سپهری برای فروغ فرخزاد را برای حق‌شناس خواند و گفت: فکر می‌کنم توصیفات این شعر به حق‌شناس بسیار نزدیک است. کوروش صفوی هم درباره حق‌شناس گفت: من هنوز هم فکر می‌کنم او پیش من است. هر کتاب او را که نگاه می‌کنم، انگار خود او این جاست؛ چون باور نمی‌کنم که خود او رفته است. این استاد زبان‌شناسی خود را قدیمی‌ترین شاگرد حق‌شناس دانست و افزود: من در مراسم تودیع استاد ثمره با خود فکر می‌کردم که این تودیع ثمره است یا تودیع دانشگاه تهران و اکنون این چنین فکر می‌کنم. صفوی تاکید کرد: حق‌شناس غریبه نیست و اکنون با ماست. در ادامه محمد تمدن تاکید کرد: من ۳۰ سال پیش دانشجوی ادبیات تطبیقی و شاگرد حق‌شناس بودم و امروز نیز بعد از ۳۰ سال، ترم پیش شاگرد او بودم. در پایان مراسم دختر علی محمد حق‌شناس شعری را از یک شاعر ایرلندی خواند و از سوی مصطفی عاصی لوح یاد بودی به او و خانواده حق‌شناس داده شد. عاصی درباره اهدای این لوح گفت: ما این لوح را برای نشان دادن این که یاد حق‌شناس با ماست، به خانواده حق‌شناس تقدیم می‌کنیم تا آن‌ها بدانند همه اعضای انجمن به یاد ایشان هستند.



